



نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی

جسم و جان در نگاه مولانا

زهرا هاشمی فر^۱

حدیثه نورا^۲

چکیده :

بررسی جسم و جان از جمله مهمترین موضوعات مثنوی اثر ماندگار جلال الدین محمد بلخی است که بیش از هزار بیت را به خود اختصاص داده است. واژگان نفس، تن، بدن، جسم، روح، روان، جان و مرگ کاربردهای فراوانی در مثنوی دارند. مولوی تن را حجاب، قفس، خار، جماد، خاک حقیر، چراغ ضعیف، کنده، می‌داند که همه این استعاره‌ها حکایت از نگاه منفی به تن و جسم در مقابل جان و روان دارد. وی تنها راه نجات انسان و تنها طریق نیل به حیات ابدی و روحانی را ترک تن می‌داند و راه‌های خلاصی از زندان تن را ترک شهوت، حرص و آز، رذایل و انصاف به صفات الهی و ربانی معرفی می‌کند. و روح انسان که از عالم خویش به دور افتاده و در زندان تن محبوس گشته و مانند نی در شوق رجوع بدان عالم در این قفس ناله و شکایت آغاز کرده است وی می‌گوید آن همه زیبایی که در تن دیده می‌شود به خاطر انعکاسی است که روح در او ایجاد می‌کند وقتی روح از تن جدا می‌شود تن تباه می‌گردد و بوی گندش همه جا را فرا می‌گیرد پس جان مجرد است و نقص و نیاز و آفت بدان راه ندارد .

کلید واژه ها : مولانا، جسم ، جان ، قفس تن.

^۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲- کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی